

منابع دین تو سبائی

ترجمه و حواشی بقلم آقای دکتر علی اصغر حریری

بی مناسبت نیست که چند کلمه هم در باره آثار یکی از جهودان کلدانی زبان دیر الفیل که اطلاعات آن نزدیک شهر اسوان فعلی (واقع در صعيد مصر) است بگوئیم. چه مطالعات استادانه پادری ا. ونسان Père A. Vincent در این باب گفتنی و شنیدنی است. اعتبار آثار خطی مزبور از این لحاظ است که عقاید دینی جهودان را در زمان قبل از اصلاح تورات یعنی ششصد و بیست و یک سال پیش از میلاد مبرهن می نماید. (۱)



در اسناد مزبور بتکرار از یهوه (یهوه) خدای معروف یهود سخن میرود، ولی پیداست که خدای مزبور هنوز متصف بصفات وحدانیت نبوده است، برای آنکه او را از وجه ایست موسوم به عانه که در لغت کلدانی بمعنی جابه است و مقصود از آن همان رب النوع شمس است که نزدیک عرب «اللات» نام داشته است و زوجه رب النوع قمر یا سینا بوده است [سینا بمعنی ماه است و طور سینا یعنی جبل القمر] و بنابراین باید گفت که حقیقه جهودان در زمان قبل از کورس پادشاه هخامنشی عبده اوئان بوده اند و تورات قدیم ایشان ابدأ ربطی بکتاب تورات جدیدی که احبار یهود و ماسوریان در قرون بعد اختراع نموده اند ندارد. چه اساس توراتی که بعداً ساخته شده است بر ثنویت است که سر چشمه توحید باشد.

مسیح، موزه بیزانس - آتن

در خاتمه برای ترسیم دورنمای تاریخ منابع ترسانی بطور اختصار هندوستان رانیز بیرون از مرز که نتوان گذاشت و لزوم آن نه از لحاظ ادراک دین متانیان است بلکه برای فهم حقیقت دین مسیح ضرورت کلی دارد.

ماراوسیوس قیصرانی یا کیساری [کذا در کتاب قانون مسعودی تالیف ابوریحان بیرونی، نسخه جدید الا بتیاع کتابخانه ملی پاریس] در کتاب خود موسوم بتاریخ کشیشان و یا اساطیر کنشت

۱ - رجوع شود بمقاله های نویسنده اینسطور در شماره چهارم و هشتم و نهم مجله یغما سال

(Histories Ecclesiastiques) گوید که مارمیتوس (مؤلف انجیل وراوی حدیث آمدن شاه موبد به بیت لحم و خبر دادن منجمان ایران تولد مسیح را) بهندوستان رفته و شنید که قبل از او مارطوماس حواری عیسی نیز به آنجا سفری کرده است. از این حدیث که لابد تاحدی اساس دارد مطالب چندی را میتوان استنباط نمود:

میدانیم که طوایف سکان ختاوختن (که در حدود اروپا در زمان قدیم سیمر Cimmér و بتلفظ قدیم کیمیر نامیده میشدند آنچنانکه در تورات و در متون آتوریان هم مشهور به گمر Gomer و جمر هستند) در میان سده دوم پیش از میلاد از هیون ها چشم زخم چند دیده به سمرقند و حدود بلخ مهاجرت نمودند. سپس بزابل و هند رفته و ممالکسی تشکیل دادند. طوایف مزبور رسوم عمارت و شهرنشینی را از مغلوبان خود یعنی یونانیان و بقایای اخلاف الکسندر (بروزن تتر بر سر) و هندوان و علی الخصوص هخامنشیان آموختند. [آثار ایشان بیشتر بآثار هخامنشی شباهت دارد] و شاه موبد انجیل موسوم به کسپار (بروزن دستار) همان کوند فرس (گنداور) است که یکی از ملوک سکان پنجاب بوده است. (۱)

نیز شهرت داشته است که پاس نامی (Abass که لابد کلمه ایست کلدانی) واسطه شده است که مارطوماس را که معمار بوده است بخدمت کوند فرس ببرد که بعادت آن عهد برای او قصری بسبک یونانی بسازد. گروهی از ترسایان یهودا هم به همراهی مارطوماس بهندوستان و پنجاب رفته اند. اگر چنانچه حدیث ماراوسیوس قیصرانی را در باب سفر مارطوماس بهندوستان بتوان مقارن وقایع تاریخی دانست و مسئله آمدن شاه موبد را از پنجاب به بیت لحم روشن کرد مشکل مشابهت داستان کرشن (بروزن سرشت و فتح آخر) باد استان مسیح نیز باسانی حل میشود. چه میدانیم که بزعم هندو کرشن هم مانند یسوع در يك آخر (معلف) متولد شده بود و برای جلوگیری از تولد وی جابر عهد فرمان بقتل اطفال نوزاد داده بود، ولی پدر مادر کرشن از شر کیداو گریخته بودند.

جمعی میان نام کرشن و «خرسطوس» هم شباهتی حس کرده اند و ممکن است که این تصور از شباهت ظاهری دو کلمه مزبور ناشی شده باشد. ولی باید دانست که کرشن در

۱- آقای برنور او تران سال شماری یهودان را حقیقی می پندارد ولی ما در مقالات متعدد خود نشان داده ایم که این سال شماری تاریخی ابتدای است که مبداء حقیقی آن خلقت عالم نبوده بلکه طالع سعد تاجگذاری سابورین اردشیر ساسانی است (در سال ۲۴۱ میلادی) و قبل از آن تاریخ یهودان جزمشتی اساطیر اولین چیزی نداشته اند و این سال ۶۲۱ قبل از میلاد از روی تاریخ معمول ملکانیان ساخته شده است که فرنگیان هم باصطلاح خود آنرا تصحیح نموده و چهار سال بدان افزوده اند و اینکه اصلاح تورات را که منسوب به عزرا (عزیز) منجم یهودی است در عهد کورس هخامنشی فرض کرده اند از قبیل همان افسانه های بی اساسی است که گویند هفتاد و دو نفر در عهد بطلیموس محب الاخ تورات را از عبرانی یونانی برگردانیدند! در حقیقت این افسانه را کشیشان رومی معاصر انوشیرون اختراع نموده اند و این عدد ۷۲ هم از اصطلاحات چین قدیم است. در کتب معتبر قدیم آنجا مسطور است که کونک - فوس (کونفوسیوس) دو هزار نفر شاگرد داشت و چون این عده زیاد بود پس مسابقه ای گذاشتند و از آن جمع ۷۲ نفر را که از همه بهتر بودند برگزید و بشاگردی پذیرفت و منشا ۷۲ مترجم تورات و هفتاد و دو معنی قرآن و هفتاد و دو ملت و بریده شرن هفتاد و دوسر در کربلا تماماً از این روایت چینی اقتباس شده است.

لغت سنسکرت (که در ایران غالباً بلفظ سانسکریت مینویسند) بمعنی سیاه رنگ است، در صورتیکه خرسطوس در زبان یونانی ترجمه کلمه سریانی و کلدانی و عبرانی مسیح است که بمعنی فریه و سمین باشد. شك نیست که مابین دوداستان مزبور قرابتی هست، ولی هنوز درست معلوم نیست که کدام يك از دیگری اقتباس شده است. [همین قصه را جهودان نیز دربارهٔ موشك یا موسی



آورده‌اند و گبران هم عین آنرا در باب داریاب یا دارا که او را پیغمبر خود میدانند روایت میکنند. [اینهم يك حلقه است که بسلسله مطالعات ما افزوده میشود و این سلسله طولانی مطالعات است که ما را بتحقیق منابع اصلی دین ترسانی واداشته است .

این بود شمه‌ای از مجهولات و معلومات مربوط به پیدایش و تحولات دین ترسانی و چنانکه مشهود میشود در این آداب و اصول معرفت اسلاف و انساب حدود مطالعات از کرانه‌های بحر ایبض بکلی خارج و مربوط بشناختن اخبار و آثار هندوان و ترکان و ایرانیان و تازیان است و هیچ شکی نیست که این مشکل از نوع علم الاسلاف (هومانیسم Humanisme) جدیدی است که تنها مربوط بیونانیان و عبرانیان نیست بلکه با تاریخ تمام تمدنان عالم قدیم و امم تاریخی گذشته ارتباط دارد . دیگر دوره تمدن هتیک بحر ایبض شرقی و دوره یونانی مآبی و نفوذ آفتاب پرستان و ترسایان و منانیان بمغرب دنیا و دوره حملات و فتوحات عرب و سفرات بحری اقوام معروف بچلیپایان بکرانه شرقی بحر ایبض نیست . زیرا که کشفیات بیشمار اخیر بما نشان میدهد که يك سلسله اسباب متجانس و مستدام همیشه موجب تنفذ قسمتهای شرقی دنیا در قسمتهای غربی آن بوده است و در طی قرون خالیه در درون ذو ذنقه‌ای که زوایای آن هندوستان و ترکستان و دریای سیاه و ایراند باشد اقوام و مللی عمرانها و تمدنهایی ایجاد نموده‌اند و از کلیه وقایع و حوادث مربوط بآن و فشار آنها بر یکدیگر و مصائب و آلام فراوان است که نوع بشر در قطعه غربی زمین دین بزرگ ترسانی فرنگستان را بوجود آورده است.

توضیح آقای محمد تقی مصطفوی رئیس دانشمندان اداره باستان شناسی

در صفحه ۳۶۰ شماره شهریور ماه ۱۳۳۱ آن مجله ضمن حاشیه مقاله منابع دین ترسانی ملاحظه شد که از طرف نویسنده محترم آقای دکتر علی اصغر حریری مرقوم رفته است: «... ماهیت دین هخامنشی‌ها بطور وضوح از تاریخ هرود و طلس و نیز از مخطوطات مکشوفه در اصطخر (که بخش عمده آن را «حرس فلد» عتیقه فروش یهودی و اعوان او نابود کردند ولی هنوز هفتصد و هشتصد تا از آن خشتها باقی است که آنها را کیرون Cameron دانشمند مقیم شیکاگو خوانده و ترجمه و طبع کرده است) پیدا است ...»

چون این مطلب آنطور که نویسنده محترم مرقوم فرموده‌اند درست نیست (هر چند خود نگارنده نیز بیش از دو سال مستقیماً در تخت جمشید با پرسور هر تسفلد فقید سروکار داشته ام و در مشارالیه مانند بسیاری از باستان‌شناسان اروپائی دیگر نقاط ضعف و ایرادات فراوان مخصوصاً از لحاظ حسن ملیت و ایران دوستی خودمان دیده و از دست عموم ایشان زجر ها کشیده‌ام و این مصیبت رشته دراز داشته و هنوز هم دنباله آن باقی است که جای بحث آن در این مقاله و مجله نیست .) درباره الواح گلی تخت جمشید لازم میباشد برای اطمینان خاطر علاقمندان عرض نماید که الواح مزبور مطلقاً از بین نرفته و ضایع و نابود نشده است و بلکه سی هزار عدد الواح کوچک درست باشکسته (که عموماً باندازه مهر نماز میباشد و نام خشت نمیتوان بر آنها نهاد) و قطعات لوح در گوشه شمال شرقی صفت تخت جمشید پیدا شد و هفتصد و پنجاه عدد بعداً در ویرانه های ابنیه جنوب شرقی صفت مزبور که بنام خرابه های تخت جمشید نام گذاری شده است کشف گردید . پرسور کامرون تعداد ۸۵ عدد از الواح اخیر را خوانده و ترجمه آنها را با توضیحات مفصل چاپ و منتشر نمود . اداره کل باستان شناسی نیز شرح و ترجمه آنها را در مجله اول گزارشهای باستان شناسی در سال پیش به چاپ رسانیده است . سی هزار لوح مزبور هم از آمریکا اعاده شده و اکنون در صندوقهای سر بسته در موزه ایران باستان محفوظ میباشد و چیزی از این اسناد ملی نابود نگردیده است .